

بُنَادِ حَکِیمِیَّتِ سِرِّواری

یا

تحلیلی تازہ از فلسفہ حاج ملا ہادی سبرواری

(سن انگیسی)

پروفسور توشی ہیکو ایزوتو

(ترجمہ فارسی)

دکتر نیدت جلال الدین مجتوی

(مقدمہ فارسی)

دکتر محمدی محق



شماره مسلسل ۹۹۱۲

شماره انتشار ۲۰۲۶

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	ایزوتسو، توشی هیکوایزوتسو، -۱۹۱۴ Izutsu, Toshihiko
عنوان و نام پدیدآور	بنیاد حکمت سبزواری یا تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملا هادی سبزواری/ توشی هیکوایزوتسو؛ ترجمه فارسی جلال‌الدین مجتبوی؛ مقدمه فارسی مهدی محقق
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، ۱۳۷۹.
مشخصات ظاهری	۳۶۲ص. مصور، عکس.
فروست	انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۰۲۶.
شابک	978-964-03-4024-3
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا.
یادداشت	چاپ ششم.
یادداشت	فارسی - انگلیسی
یادداشت	Toshihiko Izutsu. The Fundamental Structure Of Sabzawari's Metaphysics
یادداشت	کتابنامه
عنوان دیگر	تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملا هادی سبزواری
موضوع	سبزواری، هادی بن مهدی، ۱۲۸۹-۱۳۱۲ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	فلسفه اسلامی
شناسه افزوده	مجتبوی، جلال‌الدین، ۱۳۷۸-۱۳۰۷، مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۸ ب۹ الف/۱۲۴۲ BBR
رده‌بندی دیویی	۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	۷۹-۶۰۴ م

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

عنوان: بنیاد حکمت سبزواری یا تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملا هادی سبزواری

تالیف: پروفیسور توشی هیکوایزوتسو

مترجم: دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی

نوبت چاپ: ششم

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۵۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجم است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۴۷۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۳)

گنجینه اندیشه سبزواری

۱- تعلیقه بر شرح منظومه حکمت سبزواری ، میرزا مهدی مدرّس آشتیانی ،
باهتمام دکتر عبدالجواد فلاطوری و دکتر مهدی محقق

۲- کتاب الامور العامّة والجواهر والعرض من شرح غرر الفرائد ، حاج
مّلاهادی سبزواری (= شرح منظومه حکمت) به پیوست فرهنگ اصطلاحات فلسفی
و معادل انگلیسی آنها ، باهتمام دکتر مهدی محقق

۳- بنیاد حکمت سبزواری یا تحلیلی تازه از فلسفه حاج مّلاهادی سبزواری، متن
انگلیسی از پروفیسور توشی هیکوایزوتسو ، ترجمه فارسی از دکتر سید جلال الدین
مجتبوی ، مقدمه فارسی از دکتر مهدی محقق

۴- ترجمه انگلیسی بخش امور عامّه وجوهر و عرض (= شماره ۲) ، از دکتر
مهدی محقق و پروفیسور توشی هیکوایزوتسو

۵- کتاب الإلهیات بالمعنی الأخص من شرح غرر الفرائد ، حاج مّلاهادی
سبزواری (= شرح منظومه حکمت) به پیوست فرهنگ اصطلاحات فلسفی و معادل
انگلیسی آنها ، باهتمام دکتر مهدی محقق

فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار ، از دکتر مهدی محقق	یک - شانزده
شرح حال نویسنده کتاب (= توشی هیکوایزوتسو)	هفده - نوزده
شرح حال سبزواری بقلم خود ایشان	بیست و یک - بیست و سه
شرح حال سبزواری بنقل از داماد ایشان	بیست و چهار - بیست و هفت
وضع زندگی سبزواری بنقل از دوفرزند ایشان	بیست و هشت - سی و شش
نظر کنت دوگوینو فرانسوی درباره سبزواری	سی و هفت - چهل
نظر ادوارد براون انگلیسی درباره سبزواری	چهل و یک - چهل و شش
نظر محمد اقبال پاکستانی درباره سبزواری	چهل و هفت - پنجاه و چهار
آثار سبزواری	پنجاه و پنج - شصت
فصل ۱ اهمیت حکمت (یا علم مابعدالطبیعه) سبزواری	۱ - ۱۸
فصل ۲ مفهوم (تصور) و حقیقت (واقعیت) وجود	۱۹ - ۳۱
فصل ۳ مفهوم (یا تصور) وجود	۳۲ - ۴۷
فصل ۴ فرق بین ماهیت و وجود	۴۸ - ۶۸
فصل ۵ تقدم وجود بر ماهیت	۶۹ - ۹۵
فصل ۶ آیا وجود یک عرض است ؟	۹۶ - ۱۱۱
فصل ۷ ساختمان حقیقت وجود	۱۱۲ - ۱۳۹
پیوست	۱۴۰
فهرست اصطلاحات	۱۴۱ - ۱۴۳
فهرست نامهای اشخاص	۱۴۴ - ۱۴۶
تصویر سبزواری	۱۴۷
تصویر آرامگاه سبزواری	۱۴۸

پیشگفتار

از

مهدی محقق

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
مردم ایران از دیر زمان به مباحث فلسفی و عقلی توجه داشته‌اند. کتابهایی که به زبان فارسی میانه باقی مانده و در آن سنت‌های دینی و مسائل فلسفی و جهان‌شناسی مطرح گشته بخوبی نمودار بکار بردن خرد و ارج نهادن به اندیشه و تفکر است.^۱ نویسندگان اسلامی تصریح کرده‌اند به اینکه علوم عقلی در ایران وجود داشته ولی دستبرد حوادث آثار آن را از میان برده است.^۲ ابن سینا به منطقی که در مشرق متداول و معجول بوده

-
- ۱- برای نشان دادن نمونه‌ای از این گونه کتابها می‌توان «دینکرت» و «بند هشن» و «شکنند گمانیک و یچار» را نام برد. برای آگاهی از چگونگی تحلیل مباحث جهان‌شناسی در ایران پیش از اسلام می‌توان به مقاله محققانه پروفسور نیبرگ H. Nyberg تحت عنوان «مسائل مبدا جهان و جهان‌شناسی در دین مزدائی» که در مجله آسیائی ژوئیه - دسامبر ۱۹۳۱، ص ۱۳۴ - ۱ زبان فرانسه چاپ شده است و همچنین کتاب فاضلانه پروفسور زینر R.C. Zaener که بنام «زروان» در سال ۱۹۵۵ در اکسفورد چاپ شده است مراجعه کرد.
- ۲- مسعودی می‌گوید: «ورایت بمدینه اصطیخ من ارض فارس فی سنة ۳۰۳ عند بعض اهل البیوتات المشرفة من الفرس کتاباً عظیماً، یشتمل علی علوم کثیرة من علوسهم» و نیز می‌گوید: «و کانت الفرس احق ان یؤخذ عنها وان کان اخبارهم قد درست، و سناقبهم قد نسیت، و رسوسهم قد انقطعت لمر الزمان و تتابع الحدثان» «التنبیه والاشراف» (قاهره ۱۳۵۷ ق)، ص ۹۲.

و با منطق یونان تفاوت داشته اشاره می‌کند^۱ ولی منابع تفصیلی و مشروح این منطق خاوری به دست ما نرسیده است. شیخ شهاب‌الدین سهروردی که زیربنای فلسفه خود را بر حکمت خسروانی و آراء حکیمان فهلوی نهاده است^۲ نشانی دقیقی از سرچشمه افکار خود بدست نمی‌دهد. اشاره^۳ این دو فیلسوف مؤید این مطلب است که پس از اسلام نشانه‌هایی از آثار علمی بازمانده از پیش از اسلام وجود داشته است و گفته‌های برخی از جغرافی‌دانان اسلامی گواهی بر این حقیقت می‌باشد.

ابن‌حوقل هنگام یاد کردن از اقلیم فارس از دژ گچین (= قلعة الجص) یاد می‌کند که در آنجا زردشتیان یادگارهای ایران باستان را نگه داشته و علوم منبع و رفیع خود را تدریس می‌کرده‌اند^۴. یاقوت حموی نیز در ذیل «ریشهر» که از نواحی ارّجان فارس

۱- «ولا یبعد ان یکون قد وقع الینا من غیر جهة الیونانیین علوم، وکان الزمان الذی اشتغلنا فیه بذلك ریعان الحدائة، ووجدنا من توفیق الله ما قصر علینا بسببه مدة التفطن لما اورثوه، ثم قابلنا جمیع ذلك بالنمط من العلم الذی یسمیه الیونانیون المنطق، ولا یبعد ان یکون له عند المشرقیین اسم غیره» منطق المشرقیین والقصيدة المزدوجة فی المنطق (قاهره ۱۳۳۸ ق)، ص ۳. ونیز اومی گوید: «ولی غیرهذین الکتابین، اوردت فیه الفلسفة علی ما هی فی الطبع وعلی ما یوجبه الرأی الصریح الذی لا یراعی فیه جانب الشرکاء، فی الصناعة ولا یتقی فیه من شق عصاهم ما یتقی فی غیره و هو کتابی فی الفلسفة المشرقیة» الشفاء، المنطق، المدخل، (قاهره ۱۹۵۳ م)، ص ۱۰.

۲- سهروردی در حکمة الاشراق (مجموعه دوم مصنفات شیخ اشراق، به اهتمام هانری کربن، تهران ۱۳۳۱ ش) اشاره به «فهلویه» در عبارت زیر کرده است: «ان اول حاصل بنور الانوار واحد، وهو النور الاقرب والنور العظیم، وربما سماه بعض الفهلویة «بهمن»، ص ۱۲۸ و در عبارت زیر از آنان نام می‌برد: «وعلى هذا یبتنی قاعدة الشرق فی النور والظلمة التي کانت طريقة حکماء الفرس مثل جاساسف وفرشا وشر و بوزرجمهر ومن قبلهم، وهي لیست قاعدة کفرة المجوس والهادماني وما یفضی الی الشرک بالله» ص ۱۱.

۳- «... و قلعة الجص بناحية الرجان یسکنها المجوس با یاذ کارات (= یادگارها) الفرس و ایا سهم یتدارسون فیها علومهم و هی منیعة رفیعة» صورة الارض (بیروت مکتبة - الحیاة)، ص ۲۴۲.

بوده می‌نویسد که نویسندگان خط «جستق» که به گشته دفتران معروف است در آنجا هستند و کتب طب و نجوم و فاسفه را با آن خط می‌نویسند^۱.

در نوشته‌های زردشتی اشاره به چهار طبقه از اهل علم شده است: استاراشماران (= منجمان)، زمیک پتانان (= مهندسان)، پچشگان (= پزشکان)، داناکان (= حکیمان) که طبقه چهارم یعنی دانایان همان حکیمان و فیلسوفان اند که بجز سخنان کوتاه و اندرزنامه‌ها چیزی از آنان برای ما باقی نمانده است. و همچنین در همان نوشته‌ها با اصطلاحات فلسفی مانند: تخمک (= هیولی و ماده)، چهر (= صورت)، گوهر (= جوهر) برمی‌خوریم^۲ پناه یافتن فیلسوفان یونانی به ایران در زمان انوشیروان آنگاه که ژوستینی نین مدارس آن را بسته بود دلیل وجود جوّ عامی و محیط فلسفی در ایران بوده است.

پس از اسلام آثار ایرانیان در برخی از کتابخانه‌ها موجود بوده است. ابن طیفور نقل می‌کند که از مردی به نام ابوعمر عتایی که از کتابهای فارسی که در کتابخانه‌های مرو و نیشابور بوده استنساخ می‌کرده پرسیده شد که چرا این کتابها را می‌نویسی او پاسخ داد: «معانی و بلاغت جز در زبان فارسی نیست، زبان از ماست و معانی از ایشان است»^۳.

۱- «... کان یزله‌ها فی الفرس کشته دفتران و هم کتاب جستق و هی الکتابه التي کان یکتب بها کتب الطب و النجوم و الفلسفة و لیس بها الیوم احد یکتب بالفارسیة و لا بالعربیة» معجم البلدان ج ۲، ص ۸۸۷ (چاپ لیبزیک ۱۸۶۷م).

۲- بیللی، مسائل زردشتی در کتابهای قرن نهم میلادی (اکسفورد ۱۹۴۳م) فصل سوم ص ۱۱۹ - ۷۸.

۳- «... فقال لی قدمت بلمدکم هذه ثلاث قدمات و کتبت کتب المعجم التي فی الخزافة بمرو، و کانت الکتاب مقطت الی ما هنالك مع یزدجرد فهي قائمة الی الساعة. فقال کتبت منها حاجتی، ثم قدمت نیشابور و جزتها بعشر فاسخ الی قرية یقال لها ذودر فذکرت کتاباً لم اقض حاجتی منه فرجعت الی مرو فاقت اشهرآ. قال قلت اباعمر: لم کتبت کتب المعجم؟ فقال لی: و هل المعانی الا فی کتب المعجم و البلاغة. اللغة لنا و المعانی لهم» کتاب بغداد (قاهره ۱۳۶۸ق)، ص ۸۷.

باتوجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که تصور اینکه منابع یونانی یگانه سرچشمهٔ مسلمانان برای علم و حکمت بوده است نادرست است زیرا مسلمانان در قرن دوم و سوم دسترسی به منابع ایرانی نیز پیدا کرده بودند و نشانه‌هایی از این منابع در پزشکی و داروشناسی و نجوم و گاه‌شناسی و فلسفه مشاهده می‌شود^۱ ولی جنبش علمی که در قرن دوم و سوم نسبت به ترجمهٔ آثار یونانی و سریانی و سانسکریت پیداشد منابع فراوانی را در اختیار مسلمانان قرارداد و دامنهٔ تحقیق و پژوهش آنان را گسترده‌تر ساخت^۲.

تشویق و ترغیب به دانش‌آموزی در اسلام و کوشش و جستجو برای تحصیل علم و کنار زده شدن حدّ و مرز و نژاد و نسب و مذهب در علم موجب شد که هر کس از هر جا بتواند کسب هر گونه علمی را بکند. مرز علمی در اسلام از اسپانیا تا چین

۱- وجود «زیچ شهریار» و «البزینج فی الموالید» منسوب به بزرجمهر و «کتاب الاندروز غر فی الموالید» که مورد استفاده مسلمانان قرار گرفته نشانه‌ای از تاثیر علم نجوم ایرانی در اسلام است. کلمهٔ بزینج در پهلوی «ویچیتک» بوده که در فارسی «گزیده» می‌شود و «اندروزغر» همان «اندروزگر» است و در ترجمه لاتینی بصورت Andrucagar آمده است. وجود اصطلاحات فارسی در نجوم اسلامی همچون «هیلاج» و «کدخداه» و «جانبختان» نیز موید این مطلب است. برای تفصیل رجوع شود به تاریخ نجوم اسلامی نالینو، ترجمهٔ احمد آرا (تهران ۱۳۴۹ ش) صفحه‌های ۲۳۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۱۸۵.

و نیز وجود «کتاب القرافادین فی البیمارستانات ترجمهٔ شاپور بن سهل کبیر بیمارستان جندیسابور بمدينة اهواز» که نسخه‌ای از آن بشماره ۲۳۴ در کتابخانهٔ ملی ملک نگهداری می‌شود نشانه‌ای از دارو شناسی ایرانی در اسلام است چه آنکه شاپور بن سهل در سال ۲۵۵ وفات یافته و هنوز داروشناسی یونانی کاسلا جای خود را باز نکرده بوده است.

۲- در اهمیت و بزرگی این جنبش علمی در اسلام کافی است به رسالهٔ حنین بن اسحق مراجعه کنیم چه آنکه او در این کتاب از ۱۲۹ کتاب و رساله نام می‌برد که بوسیله او و همکارانش از یونانی و سریانی به عربی ترجمه شده است. رسالهٔ حنین بن اسحق بوسیله برگشتواسر به آلمانی و ماکس مایرهوف به انگلیسی ترجمه شده و نگارنده آن را به فارسی ترجمه کرده است رجوع شود به «بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی» از دکتر مهدی محقق (تهران ۱۳۵۵ ش)، ص ۴۱۶ - ۳۶۵.

گسترش پیدا کرد، و درهای مدرسه بر روی فقیروغنی و وضع و شریف یکسان بازگشت و مدرسه جای بحث و گفتگو و دفاع از هر نوع اندیشه و تفکر گردید، در محیط علمی اسلامی، مسیحی و یهودی و زودشتی و صابی و مانوی مورد احترام بودند و چون همه متعلق به حوزه علمی اسلامی بودند در شمار علمای اسلام محسوب می شدند چنانکه عبدالکریم شهرستانی در کتاب ملل و نحل خود حنین بن اسحق مسیحی را که سهم بسزائی در ترجمه آثار یونانی و سریانی داشت در شمار «علمای اسلام» محسوب داشته^۱ و به اقتضای او برخی از دانشمندان، ابن میمون یهودی را از دانشمندان اسلام محسوب می دارند^۲ و همین جو علمی موجب گردید که دانشمندان به داشتن عقائد مختلف بتوانند محترمانه زندگانی کنند تا آنجا که سید رضی و سید مرتضی علم الهدی دو دانشمند بزرگ شیعه با ابوالعلاء معری که متهم به زندقه و کفر بود در یک مجلس می نشستند و اگر ابوالعلاء به جهت تواضع پائین مجلس نشسته بود او را ببالا می بردند^۳ و سید رضی ابوالصالح صابی ستاره پرست راهم

- ۱- او می گوید: «المتأخرون من فلاسفة الاسلام مثل يعقوب بن اسحاق الكندي و حنين بن اسحاق و يحيى النحوي و ابي الفرج المفسر و ابي سليمان السجزي و ابي سليمان محمد المقدسي و ابي بكر ثابت بن قرة ...» الملل والنحل (قاهره ۱۳۶۸ ق) ج ۳ ص ۵
- ۲- مصطفی عبدالرازق دانشمند مصری می گوید: «واذا كان حنين بن اسحاق المسيحي من فلاسفة الاسلام فانه لا وجه للفرقة بينه وبين موسى بن ميمون» مقدمه كتاب «موسى بن ميمون، حياته ومصنفاته»، تاليف ا. ولفسون (ابوذويب) قاهره ۱۹۵۵ م، ص ز.
- ۳- «... ثم جلس (= ابوالعلاء) في اخريات المجلس، الى ان قام الشعراء وانشدوا، فقام ابوالعلاء وانشد قصيدته التي اولها :

سال المسيف و غير المستاف

اودی فليت الحادثات كفاف

یرثی بها الشریف المذكور . فلما سمعه ولداه الرضى والمرضى قاما اليه ورفعاه مجلسه، وقالاه : لعلك ابوالعلاء المعری؟ قال نعم. فاكرماه واحترماه» سالكك الابهصار ابن فضل الله المعری بنقل از تعريف القدماء بابي العلاء (قاهره ۱۳۶۳ ق) ، ص ۲۲۳ . ابن واقعه در مجلس عزای شریف طاهر پدر سید رضی و سید مرتضی بوده است .

مرثیه می‌گفت^۱ و محمد بن زکریای رازی که به‌دهری بودن متهم بود^۲ می‌توانست آزادانه افکار فلسفی و جهان‌شناسی خود را در مجلس قاضی شهر ری در برابر ابوحاتم رازی اظهار نماید^۳ و ابوریحان برای مسلمانان در باره مذاهب هندوی و بودائی کتاب بنویسد و در بدر بدنبال آثار مانویان بگردد^۴.

در چنین شرایطی گروهی از مسلمانان به علوم نقلی از قبیل صرف و نحو و قراءه

۱- «... وراثه الشریف الرضی بقصیدته الدالية المشهورة التي اولها :

ارایت من حملوا علی الاعواد ارایت کیف خبا ضیاء النادی

وعاتبه الناس فی ذلک لکونه شریفاً برئ صابیا ، فقال : انما رثیت فضله . وفیات

الاعیان ابن خلکان (بیروت ۱۹۶۸ م) ج ۱ ص ۵۳ .

۲- ناصر خسرو در زاد المسافرین (برلن ۱۳۴۱ ق)، ص ۷۳ رازی را از اصحاب هیولی بشمار آورده و گوید : «اصحاب هیولی چون ایرانشهری و محمد زکریای رازی و جز ایشان گفتند که هیولی جوهری قدیم است» و در دیوان (چاپ مینوی و محقق)، ص ۱۶۷ از او بعنوان «دهری شیدا» یاد می‌کند :

عالم قدیم نیست سوی دانا شمنو محال دهری شیدا را

۳- ابوحاتم رازی مناظرات خود را با محمد بن زکریا در کتاب اعلام النبوة آورده است

و کتاب خود را بدین عبارت آغاز می‌کند : « فیما جرى بینی وبين الملحد انه ناظرنی فی امر النبوة ... » اعلام النبوة (تهران ۱۳۵۶ ش) ، ص ۳ .

۴- « وذلک انی طالعت کتابه فی العلم الالهی ، و هو بادی فیہ بالدلالة علی کتب

مانی وخاصة کتابه الموسوم بسفر الاسرار ، فترتلی السمة کما یغیر المبيض والمصفر فی الکیمیا غیری ، فحصرمتنی الحدائث بل خفاء الحقیقة علی طلب تلك الاسرار من معارفی فی البلدان و الاقطار ، و بقیث فی تباریح الشوق نیفا و اربعین سنة الی ان قصدنی بخوارزم برید من همدان ، متوسلا بکتاب وجدها من جهة فضل بن سهلان ، و عرفنی بحبیها ، و فیها مصحف قد اشتمل من کتب المانویة علی فرقاطیا وسفر الجبابة و کثر الاحیاء و صبح الیقین والتاسیس و الانجیل و الشا بورقان ، و عدة رسائل لمانی و فی جملتها طلبتی سفر الاسرار » رسالة ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی (تهران ۱۳۵۲ ش) ، ص ۳ .

و تجوید و تفسیر قرآن پرداختند. سیبویه از فارس بهترین کتاب را در نحو عربی نوشت^۱ و محمد بن جریر طبری از آمل جامع ترین تفسیر را برای مسلمانان نگاشت و علمای ماوراءالنهر ترجمه فارسی آن را به ایرانیان عرضه کردند^۲ و باز ابن مالک از اندلس ارجوزه خود را در نحو می نویسد و جلال الدین سیوطی در مصر آن را شرح می کند و به طلاب تقدیم می دارد^۳.

در علوم و فلسفه نیز کتابهای ارسطو همچون «الطبیعة» و «الحیوان» و «اخلاق نیکوماخس» ارسطو و همچنین کتابهای افلاطون همچون «جمهوریت» و «طیماوس» و

۱- مقصود «الکتاب» اوست که بعنوان بهترین هدیه به اهل فضل تقدیم می شده است است. ابن خلکان می گوید: «قال الجاحظ: اردت الخروج الى محمد بن عبد الملك الزيات وزير المعتصم ففكرت في شيء اهديه له، فلم اجد شيئاً اشرف من كتاب سيبويه» وفيات الاعيان (پیشین)، ج ۳ ص ۶۳.

۲- در آغاز این تفسیر چنین آمده است: «و این کتاب تفسیر بزرگست از روایت محمد بن جریر الطبری رحمه الله علیه ترجمه کرده بزبان پارسی و دری راه راست و این کتاب را بیاوردند از بغداد چهل مصحف بود و باسنادهای دراز بود و بیاوردند سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن نصر بن احمد اسماعیل رحمه الله علیهم اجمعین. پس دشخوار آمد بروی خواندن این کتاب و عبارت کردن آن بزبان تازی و چنان خواست که سرین را ترجمه کند بزبان پارسی. پس علماء ماوراء النهر را گرد کرد و از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را بزبان پارسی گردانیم گفتند روا باشد خواندن و نبشتن تفسیر قرآن بپارسی بر آن کس را که او تازی نداند از قول خدای عزوجل که گفت: ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه». ترجمه تفسیر طبری (تهران ۱۳۳۹ ش)، ج ۱ ص ۵

۳- شرح سیوطی بنام «البهجة المرضية فی شرح الالفية» از کتابهای درسی حوزه های علمیه است. شروع دیگری هم برالفیه ابن مالک نوشته شده که معروف ترین آنها شرح ابن عقیل و شرح ابن ناظم است.

«نوامیس» به زبان عربی ترجمه می‌شود^۱. رازی از ری و بیرونی از خوارزم و فارابی از فاراب و ابن سینا از بخارا به شرح و تفصیل آن کتابها می‌پردازند و طرح نوی برای فلسفه می‌ریزند. آثار پزشکی بقراط و جالینوس نیز در دسترس مسلمانان قرار می‌گیرد. مسلمانان نه تنها از یونان بلکه از سرچشمه‌های علم شرق هم برخوردار می‌شوند. ابوریحان کتاب «پانتجل» را که در عرفان عملی است ترجمه می‌کند^۲ و از کتاب «چرك» هندی در پزشکی سود می‌جوید^۳.

۱- بر سنت قدیم که پزشک فاضل باید فیلسوف باشد. فلسفه و پزشکی در کنار هم در اسلام پیشرفت کردند و همچنانکه در فلسفه مشرب افلاطونیان با ارسطوئیان متفاوت بود در پزشکی نیز آنان که تابع افلاطون بودند مانند رازی و علی بن عباس مجوسی و ابوسهل مسیحی در بسیاری از مسائل با پزشکان ارسطوئی همچون ابن سینا اختلاف عقیده داشتند و نیز فرقه‌های سه گانه طبی که در یونان وجود داشت یعنی «اصحاب القیاس» و «اصحاب التجارب» و «اصحاب الطب الحیلی» در اسلام وجود داشت. رجوع شود به تاریخ پزشکان و فیلسوفان اسحق بن حنین ترجمه نگارنده در «بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی...» ص ۱۶۲-۱۶۰.

۲- ابوریحان در رساله فهرست خود از این کتاب به عنوان «ترجمة کتاب پانتجل فی الخلاص من الارتباك» یاد می‌کند. رساله ابوریحان فی فهرست کتب الرازی، ترجمه نگارنده (تهران ۱۳۵۲ ش)، ص ۳۶. ترجمه پانتجل بیرونی بوسیله هلموت ریتز در مجله Oriens ص ۲۰۰-۱۶۵ در سال ۱۹۵۶ م چاپ شده است. ابوعبدالله تبریزی دانشمند قرن هفتم در توصیف این کتاب گوید: «انه وضع لخلاص النفس عن العلائق البدنیة و نجاتها عن العالم الجسمانی بفنون من الرياضات و صنوف من العبادات و التوجه الخالص المحض الی جنبۃ العالیات» المشاطة لرسالة الفهرست، غضنفر تبریزی (نسخه خطی کتابخانه لیدن شماره ۱۳۳)، ص ۶۳.

۳- «... و کتاب چرك فی الطب من اقدم كتبهم، و صاحبہ المسمى الكتاب به من النساك الملهمین المویدين عندهم» رساله ابوریحان، ص ۲۵. کتاب چرك که ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۰۲ در کلکته چاپ شده از منابع علی بن ربن طبری در کتاب معروف پزشکی او «فردوس الحکمة» که در سال ۱۹۲۸ در برلن چاپ شده بوده است رجوع شود به صفحه ۵۵۷ این کتاب.

استوارترین پایه‌های علم با آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۱ نهاده شد و اهل علم و دانش تقدم معنوی بر بی‌دانشان یافتند و سپس با آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۲ مجال دانشجویی و دانشیابی گسترده‌تر گردید ولی با تأسّف باید گفت دوران آزاداندیشی و حرمت دانش چندان نپائید تعصّب‌های جاهلانه و ستیزه‌جویی‌های خداوندان زر و زور دامنه علم را محدود ساخت چنانکه پس از قرنهای چهارم و پنجم دانشمندی نظیر رازی و ابن سینا و بیرونی که ترجمه آثارشان حدود پانصدسال روشنائی بخش دانشگاه‌های اروپا بود دیگر پیدا نشدند.^۳

مسلمانان هر چند در علوم قوت پیشین خود را از دست دادند و جسته‌گریخته دانشمندی همچون سید اسماعیل جرجانی در طب^۴ و خواجه نصیرالدین طوسی در ریاضیات^۵ و کمال‌الدین فارسی در علم مناظر و مرايا^۶ پیدا شدند ولی در علوم عقلی یعنی فلسفه و کلام و منطق و عرفان و اصول، پیشرفت قابل توجهی کردند و این پیشرفت پس از دوره

۱- سورة الزمر ۳۹ آیه ۹.

۲- سورة الزمر ۳۹ آیه ۱۸.

۳- «قانون ابن سینا» و «کتاب المنصوری» رازی مکرراً در مکرر در اروپا چاپ شده است کتاب اخیر تا پایان قرن پانزدهم جزو برنامه دروس دانشگاه توپینگن آلمان بوده و رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه مون پوویه فرانسه نیز تا سال ۱۵۵۸ م درس خود را از روی این کتاب می‌داده است. رجوع شود به فیلسوف ری تالیف نگارنده (تهران ۱۳۴۹ ش)، ص ۶۴.

۴- صاحب کتاب «اغراض الطیبه» که در سال ۱۳۴۵ بوسیله بنیاد فرهنگ ایران و «ذخیره خوارزمشاهی» که در سال ۱۳۴۴ ش بوسیله دانشگاه تهران چاپ شده است.

۵- مهمترین آثار ریاضی او در دو مجلد در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ ق در حیدرآباد دکن چاپ شده است.

۶- صاحب کتاب «تنقیح المناظر» در دو مجلد که اولی در سال ۱۳۴۷ و دومی در ۱۳۴۸ ق در حیدرآباد دکن چاپ شده است.

مغول به اوج کمال خود رسید و این نکته را نباید از خاطر دور داشت که مرکز توسعه و شکوفائی این علوم ایران بوده است و دیگر کشورهای اسلامی بیشتر در زمینه علوم نقلی یعنی لغت و صرف و نحو و تفسیر قرآن به بحث و تحقیق پرداخته اند. توجه فراوان ایرانیان به علوم عقلی را ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود تصریح کرده و گفته است که حاملان علم در اسلام بیشترشان ایرانی بوده اند و همو به گفته پیغمبر (ص) استناد می جوید که فرمود: «اگر علم در پیرامون آسمان می بود مردانی از ایرانیان بدان دست می یافتند»^۱، توجه به مباحث عقلی و گفتگو در مسائل فلسفی اختصاص به خواص نداشته بلکه عوام نیز به فراخور آگاهی های خود به بحث و مذاکره در پیرامون مسائل مختلف می پرداخته اند. ابن حوقل می گوید عوام خوزستان مثل خواص سایر بلاد درباره کلام و علوم گفتگو می کنند. من خود حمّالی را دیدم که باری سنگین بر پشت داشت و با حمّالی دیگر که با او همراه بود درباره تأویل و حقائق کلام بحث و نزاع می کرد^۲. و حتی مباحث عقلی و فلسفی در میان خانه و خانواده مطرح می گشته است چنانکه ابن سینا در آغاز جوانی

۱- «... من الغریب الواقع ان حملة العلم فی الملة الاسلامیة اکثر هم العجم لامن العلوم الشرعیة و لامن العلوم العقلیة الا فی القلیل النادر و ان كان منهم العربی فی نسبتہ فهو عجمی فی لغتہ و سرباه و مشیخته مع ان الملة عربیة و صاحب شریعتها عربی ...»، «فكان صاحب صناعة النحو سبویه و الفارسی من بعده و الزجاج من بعدهما و كلهم عجم فی انسابهم و انما ربوا فی اللسان العربی و كذا حملة الحدیث الذین حفظوه عن اهل الاسلام اكثرهم عجم او مستعجمون باللغة و العربی و كان علماء اصول الفقه كلهم عجم كما یعرف و كذا حملة علم الكلام و كذا اكثر المفسرین و لم یقم بحفظ العلم و تدوینہ الا الاعاجم و ظهر مصداق قوله (ص) لو تعلق العلم باكتناف السماء لناله قوم من اهل فارس» مقدمه ابن خلدون (قاهره ۱۹۳۰م) ، ص ۴۸۱-۴۸۰.

۲- «... و فی عوامهم و اهل سمنهم من الریاضة بالكلام و العلم به و بوجهه ما یضاهون به الخواص من ارباب البلدان و علمائهم ، و لقد رايت حمالا عبر و علی راسه و قرثیل او علی ظهره و هو یسایر حمالا آخر علی حاله و هما یتنازعا فی التأویل و حقائق الكلام و غیر مكثرین بما علیهما فی جنب ما خطر لهما» سورة الارض ، ص ۲۳۰.

به گفتگوهای پدر و برادرش در مسائل نفس و عقل در خانه گوش می‌داده و توجه او به فلسفه و هندسه و حساب هند از همانجا برای او پدیدار گشته است.^۱ در این جا باید یادآور شد که اسماعیلیه و اخوان الصفا در عرضه داشتن علم و فلسفه بر مردم عادی و عامی سهم بسزائی داشته‌اند. قصیده معروف ابوالهیثم جرجانی در طرح مسائل جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و مباحث فلسفی و منطقی و شرح محمد بن سرخ نیشابوری و ناصر خسرو مؤید این موضوع می‌باشد.^۲ همین ناصر خسرو که قصیده ابوالهیثم را که معروف به قصیده «چون و چرا» است در کتاب جامع الحکمتین خود شرح می‌کند در دیوان خود با الحن کوبنده‌ای مخاطبان را به جستن «چون و چرا» تحریض و ترغیب می‌کند.^۳

بر اساس مطالب یاد شده شگفت نیست که کمتر شهر یا روستائی در ایران است که در خود فیلسوف یا متکلم یا عارف یا منطقی نیروورنده باشد از خاور به باختر نظر بیفکنیم

۱. «وكان ابي ممن اجاب داعي المصريين ويعد من الاسماعيلية وقد سمع منهم ذكر النفس والعقل على الوجه الذي يقولونه ويعرفونه هم وكذلك اخی وکانوا ربما تذاکروا ذلک بينهم وانا اسمعهم وادرك ما يقولونه ولا تقبله نفسی وابتدأوا يدعوننی اليه یجرون علی السنتهم ایضاً ذکر الفلسفة و الهندسة و حساب الهند » سيرة الشيخ الرئيس (نیویورک ۱۹۷۴م)، ص ۱۸. این کتاب با ترجمه انگلیسی تحت عنوان زیر در دانشگاه دولتی نیویورک چاپ شده است.

The Life of Ibn Sina , A Critical Edition and Annotated Translation,
State University of New York press , 1974.

۲- شرح قصیده ابوالهیثم جرجانی در سال ۱۹۵۵م و جامع الحکمتین ناصر خسرو در سال ۱۳۳۲ ش بوسیله بروفسور هانری کربن و دکتر محمد معین چاپ شده است.

۳- جهان را بنا کرد از بهر دانش

خدای جهاندار و بی یار و یاور

تو گوئی که «چون و چرا» را نجویم

سوی من همین است پس مذهب خر

دیوان (چاپ سنوی و محقق)، ص ۳۰۸

از ابویعقوب سجستانی گرفته تا غزالی طوسی و خیّام نیشابوری و میرداماد استرآبادی و ابوالمظفر اسفراینی و امام الحرمین جوینی و ابوحام رازی و کاتبی قزوینی و صدها تن مانند آنان از شمال به جنوب بنگریم عبدالرزاق لاهیجی و ملا عبدالرزاق کاشانی و حمیدالدین کرمانی و فخرالدین رازی و صدرالدین شیرازی و عبدالجبار همدانی و علاءالدوله سمنانی و بسیاری دیگر همچون آنان که کتب تراجم احوال حکما و فلاسفه و متکلمان مشحون به نام آنان است.

در میان خاورشناسان و دانشمندان اروپائی این اندیشه نادرست پیدا آمده که فلسفه اسلامی با یعقوب بن اسحق کندی فیلسوف عرب آغاز و به ابن رشد فیلسوف اندلسی ختم گردیده و این فکر در دانشمندان اسلامی کشورهای عربی زبان نیز بجهت بی اطلاعی و ناآشنائی رسوخ یافته است.^۱ آنان از دانشمندانی همچون صدرالدین شیرازی و میرداماد و عبدالرزاق لاهیجی و حاج ملاهادی سبزواری اطلاعی ندارند فقط در ربع قرن اخیر بود که به همت تنی چند از دانشمندان خارجی و داخلی فلسفه اسلامی پس از مغول به دنیای علم معرفی گشت.^۲

حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف و عارف قرن گذشته از چهره های علمی است که به همان اندازه که در ایران شهرت داشته و کتاب منظومه و شرح منظومه او از

۱ - عادل زعیت در مقدمه کتاب «ابن رشد و الرشیدیه» ارنست رنان E. Renan (قاهره ۱۹۰۷ م)، ص ۵ می گوید: «ان الدراسات الفلسفیه عند العرب ختمت با بن رشد».

۲ - ژوزف فان اس اسلام شناس آلمانی می گوید: «مدتی دراز مطالعات اسلامی در مغرب زمین بیشتر متوجه سرزمین های نزدیک به اروپا، همچون مصر و شام و مغرب بود. و این طرز تحقیق، مخصوصاً از لحاظ شناسائی و ارزشهایی اسلام بعنوان یک دین نتایج نامطلوبی داشت. اکثریت منابهی که مورد تحقیق و تفحص قرار گرفته، نماینده طرزنگرش سنی و اشعری بوده است؛ بدین ترتیب مذهب شیعه به عنوان یک انحراف و بددینی، و یا نهضت غیر عقلانی که مورد توجه اقلیتی بوده در نظر گرفته می شده است. فلسفه ایرانی دوره صفویه که توسط متفکران بزرگ مکتب اصفهان تکامل یافته است عملاً ناشناخته مانده بوده» مقدمه بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلاسی و فرق اسلامی از مهدی محقق، ترجمه احمد آرام، ص نه.

کتابهای درسی حوزه‌های علمیّه ایران بوده است در خارج از ایران گمنام و نامعروف مانده است و تنها در این دهه اخیر است که نام او و اندیشه‌های فلسفی او پس از نشر چاپ تحقیقی شرح منظومه و ترجمه انگلیسی آن که به وسیله راقم این سطور و پرفسور ایزوتسو صورت گرفته در جهان منتشر گشته و از گمنامی بیرون آمده است.

در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی که نگارنده برای تدریس به دانشگاه مک گیل دعوت شد کتاب «انوار الملکوت فی شرح الیاقوت» را برای تدریس کلام شیعی و کتاب «شرح غرر الفرائد» معروف به شرح منظومه حکمت را برای تدریس فلسفه اسلامی ایرانی یعنی حکمت متعالیه برگزید استادان و دانشجویان آن دانشگاه تا آن زمان حتی نام سبزواری را نشنیده بودند.

بخاطر دارم روزی پس از درس^۱ همکارم پرفسور ایزوتسو به من گفت مایه تأسف است که چنین فیلسوف بزرگی در کشور شما وجود داشته و شما در صدد معرفی او بر نمی آئید من در پاسخ گفتم این کار از یک تن ساخته نیست سپس ایشان آمادگی خود را برای همکاری در ترجمه قسمت امور عامه و جوهر و عرض کتاب شرح منظومه اعلام داشتند و در مدتی که در آنجا به تدریس اشتغال داشتم ترجمه آن را مشترکاً بپایان رسانیدیم و در ضمن متن عربی آن را هم بصورت مطلوبی آماده برای چاپ کردیم. مدت اقامت من در کانادا سرآمد و ایشان برای ادامه همکاری به تهران آمدند و شعبه مؤسسه مطالعات اسلامی را تأسیس کردیم و نخستین مجلد سلسله انتشارات مؤسسه را که بنام «دانش ایرانی» نامیدیم همین شرح منظومه سبزواری بود به پیوست شرح احوال و آثار آن حکیم و حواشی خود سبزواری و هیدجی و آملی و فهرست تفصیلی اصطلاحات فلسفی که سبزواری بکار برده است. این مجلد که در سال ۱۳۴۸ منتشر گشت همراه با مقدمه‌ای بود به زبان انگلیسی

۱- در آن دیار این سنت علمی بر جای مانده که استادان در درس استادان دیگر شرکت می کنند، این رسم در حوزه‌های علمیّه ما نیز برقرار بوده است، برخلاف دانشگاه‌های ما که بعض اینک کسی بهر وسیله‌ای عنوان معلم بخود گرفت خود را از هر گونه دانش آموزی بی نیاز می داند.

که چند سال بعد جداگانه نیز در ژاپن چاپ شد. طّلاب و دانشجویان ایرانی همواره خواستار ترجمه این مقدمه بودند تا از کیفیت برداشت و تحلیل نویسنده آن آگاهی یابند خوشبختانه استاد محترم دکتر سید جلال الدین مجتبی‌وی این امر را عهده‌دار شدند و از انجام آن بخوبی برآمدند و نگارنده به سهم خود از زحمات ایشان سپاسگزار است.

ترجمه انگلیسی ما از شرح منظومه در سال ۱۹۷۷ در نیویورک چاپ و منتشر گشت^۱ برای نخستین بار بود که پس از چند صد سال یک اثر مستقل از فیلسوفی ایرانی به زبان خارجی چاپ و منتشر می‌گشت. پس از این نام حکیم سبزواری در کتابهای تاریخ فلسفه و دائرة المعارف‌های فلسفی وارد شد.

برای تکمیل کار خود در شناخت فلسفه سبزواری تعلیقه مرحوم میرزا مهدی آشنیانی بر شرح منظومه بوسیله نگارنده با همکاری دکتر جواد فلاطوری مورد تصحیح قرار گرفت و در سال ۱۳۵۲ منتشر گشت. آشنیانی در زمان ما از متبحرترین کسانی بود که به حکمت متعالیه و فلسفه میرداماد و ملاصدرا و سبزواری تسلط داشت، او توانسته بود سنت فلسفی چند قرن اخیر را در وجود خود محفوظ و زنده نگاه‌بدارد. اقبال و توجه اهل علم و طّلاب و دانشجویان در داخل و خارج از کشور ما را بر ادامه این کار تشویق کرد چنانکه شماره سلسله دانش ایرانی تاکنون از سی متجاوز گشته و در طی این مجلدات متجاوز از صد تن از بهترین متفکران ناشناخته کشور ما به جهان دانش معرفی گشته‌اند. و اگر در آینده قرار باشد تاریخ اندیشه و تفکر اسلامی در ایران نوشته شود این مجموعه

۱- این ترجمه تحت عنوان مشخصات زیر است :

The Metaphysics of Sabzavari, Translated From the Arabic by Mehdi Mohaghegh and Toshihco Izutsu, Carvan Books, Delmar, New York, 1977.

ککک بسزائی در آن هدف خواهد کرد^۱.

متأسفانه با وجود توجه روزافزون به تعلیم و تعلم شرح منظومه سبزواری هیچ مؤسسه علمی یا دانشگاهی نیست که عهده دار تجدید چاپ آن شود و طسّلاب و دانشجویان فلسفه ناچارند دوباره به همان چاپ سنگی صد سال پیش روی آورند و نیز برای دسترسی به آثار ابن سینا و فارابی و دیگر فیلسوفان و متکلمان اسلامی باید چشم براه کشورهای دیگر

۱- در میان مجلداتی که منتشر گشته دانشمندان زیر به اجمال یا به تفصیل معرفی

شده اند :

آشتیانی ، میرزا مهدی ۲ . آملی ، شیخ محمد تقی ۱ . ابراهیم بن نوخت ۱۷ . ابن راوندی ۱۷ . ابن سینا ۸ . ابن مسکویه رازی ۱۶ . ابهری ، اثیرالدین ۸ . استرابادی ، رکن الدین ۸ . اسفرائینی ، نورالدین ۵ . استرابادی ، محمد تقی ۲۲ . اصفهانی ، صائِن الدین ترکه ۴ . اهرانشهری ، ابوالعباس ۱۴ . بلخی ، ابوزید ۱۴ . بلخی ، ابوالقاسم ۱۴ . بزدوی ، ابوالیسر ۱۷ . بیرونی ، ابوریحان ۱۷ . تبریزی ، ابوعبدالله ۱۷ . تبریزی ، غضنفر ۱۷ . تفتازانی ، سعدالدین ۱۷ . جاسی ، عبدالرحمن ۱۹ . جوینی ، امام الحرمین ۱۷ . جیلانی ، شیخ عبدالله ۸ . حسن صباح ۱۷ . رازی ، ابوحاتم ۱۷ . رامهرمزی ، ابومحمد ۱۷ . رازی ، فخرالدین ۱۷ . رازی ، محمد بن زکریا ۱۴ . رازی ، نجم الدین ۶ . زرخشری ، محمود ۱۷ . زنوزی ، عبدالله ۱۸ . سبزواری ، حاج ملاهادی ۱ . سجستانی ، ابویعقوب ۱۷ . سمنانی ، علاءالدوله ۴ و ۵ . سهروردی ، شهاب الدین ۹ . شهرستانی ، عبدالکریم ۱۷ . شیرازی ، رکن الدین ۲۵ . شیرازی ، صدرالدین ۹ و ۱۷ . شیرازی ، مؤیدالدین ۱۷ . طبرسی ، احمد بن علی ۱۷ . طبری ، علی بن ربن ۱۴ . طوسی ، شیخ ابوجعفر ۱۷ . طوسی ، نصیرالدین ۸ و ۲۴ . عامری نیشابوری ، ابوالحسن ۲۸ . علی بن احمد بن محمود (از شاگردان جلال الدین دوانی) ۴ . غزالی طوسی ، محمد ۱۷ . فارابی ، ابونصر ۱۳ و ۲۲ . فضل بن شاذان نیشابوری ۱۷ . قائنی ، ابوجعفر ۸ . عبد الجلیل قزوینی رازی ۱۷ . قهستانی ، نوربخش ۹ . کاتبی قزوینی ۸ . کرمانی ، حمیدالدین ۱۷ . گیلانی ، ملاشمسا ۴ . لاری ، عبدالغفور ۱۹ . لاهیجی ، اسیری ۲۰ . لوکری ، ابوالعباس ۸ ، ساتریدی ، ابومنصور ۱۷ . میرداماد استرابادی ۷ . ناصر خسرو قبادیانی ۲۱ . نیشابوری ، ابورشید ۱۷ . نسفی ، ابوحفص ۱۷ . نسفی ، ابوعبدالله ۱۷ . همدانی ، رشیدالدین ۱۷ . همدانی ، عبدالجبار ۱۷ . هیدجی ، ملا محمد ۱ (شماره های کنار نامها شماره مجلدات سلسله دانش اهرانی است).

بدوزند و این درحالی است که کتاب‌ها و جزوه‌هایی که خیر دنیا و آخرت در آنها نیست افزون بر افزون چاپ و انتشار می‌یابد. گوئی سخن سبزواری راست آمده که:

«هَذَا زَمَانٌ مَحَلُّ الْحِكْمَةِ وَقَلَّةِ نُزُولِ أَمْطَارِ الْيَقِينِ مِنْ سَحَابِ الرَّحْمَةِ، لِكَثْرَةِ ذُنُوبِ أَهْلِ الْغَفْلَةِ وَالْجَهْلِ، فَانْسَدَّ عَلَيْهِمْ أَبْوَابُ سَمَاءِ الْعَقْلِ، وَحُرِمُوا عَنْ مَعْرِفَةِ رَبِّ الْفَلَکِ بِالْوُغُولِ بِالْعِشْقِ بِالْغَسَقِ. وَقَدْ فَرَّغُوا عَنْ الْحَقِّ إِلَى الْأَبَاطِيلِ، وَعَكَفُوا عَلَى الزَّخَاوِفِ وَالتَّمَائِيلِ».

در طرح نخستین احیاء و معرفی فلسفه اسلامی ایرانی که ما داشتیم این بود که حدود پنجاه اثر فلسفی را با تصحیح انتقادی چاپ و با تحلیل علمی آن‌را بر اهل علم عرضه داریم و نیز با ترجمه حکمة الاشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی و اسفار صدرالدین شیرازی به زبان انگلیسی بیش از پیش ارزش میراث فلسفی اسلامی ایرانی را به دنیا معرفی کنیم ولی:

مَآكُلٌ مَا يَتَمَنَّى الْمَرْءُ يُدْرِكُهُ

فرشته‌ای است برین بام لاچورد اندود

که پیش آرزوی سائلان کند دیوار

امید است که شور و هیجانی که در نسل جوان نسبت به دانش جوئی و علم اندوزی پدیدار گشته به درستی جهت‌پذیر گردد تا در آینده آنان نه تنها آثار گذشتگان را زنده گردانند بلکه بتوانند خود صاحب اندیشه‌ای توانا گردند که زندگی مادی و معنوی مردم این سرزمین را به سرانجامی مطلوب رهبری نماید. بعون الله تعالی و توفیقه.

مهدی محقق

دهم دیماه ۱۳۵۹ هجری شمسی، تهران

شرح حال نویسنده کتاب

پروفسور توشی هیکو ایزوتسو استاد فلسفه دانشگاه مک گیل کانادا و استاد ممتاز دانشگاه کیو (Keio) ژاپن در سال ۱۹۱۴ در توکیو بدنیا آمد و تحصیلات خود را در ژاپن به پایان رسانید.

او نخست به تدریس متون فلسفی یونانی و لاتین پرداخت و مدتی نیز به تدریس مباحث علم زبان شناسی و معنی شناسی مشغول شد و از این راه به زبان عربی کشیده شد و برای نخستین بار قرآن کریم را از عربی به ژاپنی ترجمه کرد. ممارست در فلسفه و تسلط به عربی او را با آثار غزالی و کلام اشعری و همچنین آثار ابن سینا آشنا ساخت و در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل «نجات» ابن سینا و «الاقتصاد فی الاعتقاد» غزالی را تدریس می کرد.

در سال ۱۳۴۴ که دکتر مهدی محقق به تدریس کلام شیعه و فلسفه اسلامی ایرانی در آن مؤسسه پرداخت ایزوتسو با تفکّر فلسفی شیعی و حکمای ایرانی آشنا و علاقه مند گشت و با همکاری دکتر محقق «سلسله دانش ایرانی» را بنیاد نهاد.

هدف از این سلسله نشر و معرفی آثار دانشمندان شیعی و متفکران ایرانی است خاصه آنان که تاکنون ناشناخته مانده اند و نخستین مجلد این سلسله متن عربی شرح شرح منظومه حاج مسلاهادی سبزواری بوده است که کتاب حاضر ترجمه مقدمه انگلیسی آنست. پس از مراجعت دکتر محقق به تهران پروفسور ایزوتسو برای مدت دو سال در ایران اقامت گزید و همکاری خود را ادامه داد و سپس هر سال برای مدت سه ماه به ایران می آمد و به تحقیق و تدریس در مؤسسه مطالعات اسلامی و انجمن حکمت و فلسفه ایران اشتغال می ورزید.

ایزوتسو در قالب همکاری دانشگاه تهران با مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران فصوص الحکم محیی الدین را برای دانشجویان تدریس و سخنرانی‌هایی در دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی ایراد کرد و در مجلس علمی (= سمینار) اصول فقه که به وسیله دکتر ابوالقاسم گرگی در موسسه اداره می‌شد فعالانه شرکت جست و از طرف دانشگاه تهران دکترای افتخاری نیز به او اعطا گردید.

ایزوتسو عضو مجامع علمی بین‌المللی زیر می‌باشد:

- ۱- موسسه بین‌المللی فلسفه، پاریس (فرانسه)
 - ۲- انجمن بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی، لون (بلژیک)
 - ۳- انجمن کانادائی مطالعات تاریخ و فلسفه علوم، مونترال (کانادا)
 - ۴- فرهنگستان زبان و ادب عرب، قاهره (مصر)
- مهمترین آثار ایزوتسو: (غیر از آنچه که به زبان ژاپنی نوشته شده است) عبارتست از:

الف - در اسلام‌شناسی و عرفان:

- ۱- خدا و انسان در قرآن، توکیو ۱۹۶۴ (قسمتی از این کتاب به وسیله آقای احمد آرام تحت عنوان ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان ترجمه و همراه با جمله‌شناسی قرآن از مهندس مهدی بازرگان به وسیله انتشارات بعثت در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است)
 - ۲- مفهوم ایمان در کلام اسلامی، توکیو ۱۹۶۵
 - ۳- مفاهیم اخلاقی در قرآن، مونترال ۱۹۶۶
- این کتاب به وسیله آقای دکتر فریدون بدره‌ای ترجمه شده و گویا به زودی منتشر می‌شود

۴- مقایسه مفاهیم فلسفی تصوف و تاوایسم، دو جلد توکیو ۶۷ - ۱۹۶۶

۵- مفهوم و حقیقت وجود، توکیو ۱۹۷۱

ب - در فلسفه اسلامی ایرانی:

- ۶- اساس فلسفه حاجی ملاهادی سبزواری ، مقدمه تحقیق و تحلیلی ضمیمه ، شرح منظومه حکمت با همکاری دکتر مهدی محقق ، تهران ۱۳۴۸
- ۷- ترجمه کامل امور عامه و جوهر و عرض شرح منظومه حکمت سبزواری به انگلیسی با همکاری دکتر مهدی محقق ، نیویورک ۱۹۷۶
- ۸- تصحیح قبسات میرداماد با همکاری دکتر مهدی محقق و دکتر موسوی بهبهانی و ابراهیم دیباجی
- ۹- تصحیح شرح منظومه حکمت به انضمام فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فلسفی با همکاری دکتر مهدی محقق ، تهران ۱۳۴۸
- ۱۰- منطق و مباحث الفاظ ، مجموعه متون و مقالات ، با همکاری دکتر مهدی محقق ، تهران ۱۳۵۳
- ۱۱- نور و ظلمت در گلشن راز شبستری ، پنیسلوانیا ۱۹۷۱
- ۱۲- تصوف و مسأله تشکیک در زبان در اندیشه های عین القضاة همدانی ، پاریس ۱۹۷۰
- ۱۳- مسأله خلق جدید در عین القضاة ، بوستون ۱۹۷۳
- خلاصه ای از این مقاله به وسیله دکتر بهرام جمال پور ترجمه و در « مؤناده » مجموعه مقالات تقدیم شده به استاد جلال الدین همامی ، زیر نظر دکتر مهدی محقق در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است.
- ۱۴- ماهیت و کلیت طبیعی در فلسفه اسلامی ایرانی ، قاهره ۱۹۷۳
- ۱۵- ماهیت لای بشرط در فلسفه اسلامی ایرانی ، تهران ۱۹۷۳
- این مقاله در مجموعه « منطق و مباحث الفاظ » با اهتمام مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو (سلسله دانش ایرانی شماره ۸) چاپ شده است.
- ۱۶- اساس اندیشه های متافیزیکی در فلسفه اسلامی ایرانی ، تهران ۱۹۷۱
- این مقاله در مجموعه « سخنرانی ها و مقاله ها درباره فلسفه و عرفان اسلامی » با اهتمام مهدی محقق و هرمان لندلت (سلسله دانش ایرانی شماره ۴) چاپ شده است.